

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۵۸ - ۴۵

جریان‌های سنتی، اصلاح‌طلبی و روشنفکری دینی در میان مسلمانان اندونزی^۱

محمود رضا اسفندیار^۲
فائزه رحمان^۳

چکیده

مهم‌ترین جریان‌های فکری اسلامی در اندونزی، جریان اسلام سنتی، اصلاح‌طلبی دینی و جریان روشنفکری یا الهیات لیبرال است. جریان اسلام سنتی میراث‌دار فرهنگ اسلامی، جریان اصلاح‌طلبی دینی تحت تأثیر مراکز اسلامی در خاورمیانه مانند مکه، مدینه و قاهره و جریان روشنفکری دینی یا الهیات لیبرال تحت تأثیر اندیشمندان نواندیش مسلمان مانند فضل‌الرحمان است. پرسش اصلی پژوهش حاضر بررسی جریان‌های فکری اسلامگرایی در جهان مالایی خصوصاً در مجمع‌الجزایر اندونزی است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع اصلی، ضمن بررسی مهم‌ترین ویژگی جریان‌های اسلام سنتی، اصلاح‌طلبی و روشنفکری دینی در جهان مالایی خصوصاً در مجمع‌الجزایر اندونزی، نشان داده است که جریان اصلاح‌طلبی دینی پیش از دوران مدرن، چگونه شکل گرفت و جریان سنتی چه واکنشی در برابر آن داشت. در نهایت دورنمایی از وضع این سه جریان در اندونزی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام سنتی، اصلاح‌طلبی دینی، الهیات لیبرال، روشنفکری دینی، اندونزی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «بررسی جریان‌های عمده دینی در جهان مسلمان مالایی (دوران پسا استعماری)» است که با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر به اجرا درآمد.

۲. دانشیار گروه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر (نویسنده مسئول). mresfandiar@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی گروه مطالعات شبه قاره هند، شرق و جنوب شرقی آسیا بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.

ahmanfaezeh@gmail.com

پذیرش: ۹۶/۰۶/۳۱

دریافت: ۹۶/۰۴/۲۰

مقدمه

دنیای اسلام گستره‌ای وسیع از شرق تا غرب جهان را به خود اختصاص داده است. امروزه بیشترین تمرکز جمعیت مسلمانان جهان، نه در خاورمیانه بلکه در جنوب شرقی آسیا، در محدوده‌ای است که از جنوب تایلند به طرف مالزی، سنگاپور، برونئی و اندونزی گسترش می‌یابد و تا جنوب فیلیپین را دربر می‌گیرد. اندونزی بزرگترین جمعیت مسلمان را در بین کشورهای جنوب شرقی آسیا و تمام کشورهای مسلمان از آن خود کرده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۸ ش/۲۰۱۰، از جمعیت دویست و سی و هفت میلیون نفری اندونزی، دویست و هفت میلیون نفر مسلمان‌اند (Badan Pusat Statistik). این میزان حدود ۸۸٪ جمعیت این کشور و حدود ۱۳٪ از جمعیت یک‌ونیم میلیاردی مسلمان سراسر دنیا است. بیشترین تراکم جمعیتی مسلمانان در مرکز و جزایر غربی اندونزی است. تقریباً همه مسلمانان اندونزی سنی مذهب‌اند و اقلیتی از شیعیان نیز در این کشور زندگی می‌کنند. جامعه اسلامی اندونزی، از لحاظ کثرت گروه‌های قومی، طبقات اقتصادی و اجتماعی، گرایش‌های سیاسی و تمایلات فرهنگی از تنوع زیادی برخوردار است (Badan Pusat Statistik).

اسلام از بدو ظهور و گسترش در اندونزی، مؤلفه‌ای بسیار مهم در همه ابعاد حیات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان اندونزی به شمار می‌رود؛ به‌طوری که می‌توان تاریخ اسلام در اندونزی را به دو بخش پیش و پس از استعمار تقسیم کرد. با اینکه در دوران جدید نقش اسلام تا حدودی نسبت به دوران پیشا استعماری کم‌رنگ شده است، اما همچنان مهم‌ترین عامل اثرگذار در مناسبات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این سرزمین به شمار می‌رود. شناخت ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جوامع مسلمان این منطقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و به ما برای درک بهتر تحولات گوناگون این جوامع و در نتیجه برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای گسترش مناسبات و تعاملات اثرگذار با این جوامع یاری می‌رساند. امروزه اهمیت جنوب شرقی آسیا به خصوص اندونزی از جهات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و تأثیرگذاری آن بر تحولات جهان اسلام، بیش از پیش آشکار شده است.

در میان مسلمانان اندونزیایی سه جریان عمده دینی را می‌توان مشاهده کرد: جریان اسلام سنتی که خود را وارث فرهنگ اسلامی و دیرپای این منطقه می‌داند و در واقع باید آن را اسلام اندونزیایی، یعنی اسلامی که آمیخته با فرهنگ بومی است و بسیار رنگ و بوی عرفانی و صوفیانه دارد، دانست. جریان اصلاح‌طلبی و نوگرایی دینی، از دیگر گرایش‌های مهم در تفکر اسلامی در این منطقه است. منظور از اصلاح‌طلبی و نوگرایی دینی، جریان تحت تأثیر اصلاح‌طلبان و سلفیان عمدتاً مصری نظیر عبده و رشیدرضا، در پی زدودن اسلام از خرافات است و می‌کوشد دستاوردهای نوین غربی در حوزه آموزش و فناوری برای بازسازی و تقویت جوامع اسلامی را به منظور بازیابی اقتدار گذشته اسلام به کار گیرد. جریان روشنفکری دینی و الهیات لیبرال نیز با تفکیک دین از سیاست و تأکید بر نفی اسلام سیاسی می‌کوشد از اسلام، قرائتی به دست دهد که با ارزش‌های دنیای مدرن در تعارض نباشد.

در این مقاله این سه جریان عمده دینی در اندونزی یعنی جریان اسلام سنتی، اصلاح‌طلبی و نوگرایی دینی و جریان روشنفکری یا الهیات لیبرال از اواخر سده سیزدهم/نوزدهم تا دوره معاصر بررسی خواهد شد.

پیشینه تحقیق

در حوزه این پژوهش تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی به فارسی منتشر نشده است. سه کتاب زیر تا حدودی به موضوع جریان‌های دینی در جنوب شرقی آسیا توجه کرده‌اند: تمدن اسلامی در سرزمین‌های مالایی، به کوشش تائب عثمان و ترجمه محمدجواد ناطق پور و همکاران را سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۸۰ش منتشر کرد. این کتاب مجموعه‌ای از مقالات دانشمندان مختلف، در معرفی چهره تمدن اسلامی در جنوب شرقی آسیا است که متأسفانه این ترجمه، بسیار مغلوطن و غیر قابل استفاده است. اندونزی و سیاست بین‌الملل، تألیف محمدخوش هیکل آزاد و به سفارش مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی و توسط اداره نشر وزارت امور خارجه در سال ۱۳۹۴ش به چاپ رسید. قومیت‌های مسلمان در جنوب شرق آسیا: به انضمام جریان‌شناسی جماعت اسلامی

القاعده، تألیف علی اکبر ضیائی است که توسط نشر بین المللی امین منتشر شده است. این اثر به بیان گرایش های مختلف دینی، از تصوف اعتدالی تا وهابیت افراطی و تشکیل گروه های مسلح تندرو به نام گروه های جهادی در جنوب شرقی آسیا می پردازد.

جریان اصلاح طلبی دینی

از اواخر سده سیزدهم/نوزدهم، روابط دینی میان مجمع الجزایر اندونزی و شبه جزیره مالایی و سرزمین های اسلامی نظیر مکه و مدینه و مصر و بغداد شکل تازه ای به خود گرفت و از اوایل سده چهاردهم/بیستم تحت تأثیر مصلحان دینی مانند سید جمال الدین اسدآبادی (د ۱۳۱۴ق/۱۸۹۷) و محمد عبده (د ۱۳۲۳/۱۹۰۵) و رشید رضا (د ۱۳۵۴ق/۱۹۳۵)، اصلاح طلبی جدید اسلامی در میان مسلمانان مالایی گسترش یافت. در واقع میراث محمد عبده از نخستین دهه های سده چهاردهم/بیستم در تغذیه گفتمان نوگرایی و اصلاح طلبی اسلامی در اندونزی مؤثر بوده است. همگام با تحولات جهانی، مبارزات مسلمانان اندونزی در شکل های جدیدی پا به عرصه وجود گذاشت. آنها تحت تأثیر تحولات خاورمیانه که بیشتر ایدئولوژیک و آموزشی ارزیابی می شود و برخی عوامل دیگر، به تشکیل گروه ها و تشکیلات اسلامی در ابعاد آموزشی و اجتماعی و سیاسی دست زدند. اصلاح طلبان اندونزی بر زدودن اسلام از بدعت ها و گشودن باب اجتهاد برای انطباق تعالیم اسلام با شرایط روز و همچنین بهره مندی از دانش های جدید غربی تأکید می کردند (Ricklefs, 202-203; Noer, 59, 73-100; Eliraz, 402).

در چنین وضعیت و زمینه ای اهمیت، جایگاه و تأثیر نشریات اصلاح طلبی مانند المنار بر شکل گیری جریان اصلاح طلبی اسلامی در میان مسلمانان مالایی آشکار می شود. این نشریه نه تنها به طور مستقیم به واسطه مقالاتش بر گسترش اصلاح طلبی اسلامی مؤثر واقع شد، بلکه از آن حیث که الگویی برای انتشار مجلات مشابه در این منطقه بود، اهمیت دارد. از جمله این نشریات می توان به الإمام و المنیر اشاره کرد (Azra: 1997, 143; Hamid, 241-242; Mutalib, 28). اصلاح طلبی اسلامی در شبه جزیره مالایی به شمار می رفت که در قالب ماهنامه در سال ۱۹۰۶/۱۳۲۴ به چاپ می رسید و در مجمع الجزایر اندونزی نیز تیراژ گسترده ای



داشت. این نشریه را سید شیخ‌الهادی - مروج نوگرایی اسلامی، پیشگام در ادبیات نوین مالایی، معلم و روزنامه‌نگار در مجمع‌الجزایر مالایی و متوفی ۱۳۵۲/ ۱۹۳۴ - با همکاری سید شیخ بن محمد طاهر جلال‌الدین (اصلاح‌گرای مینانگکابائویی^۱)، شیخ محمد بن سلیم کلالی (اصلاح‌گرای حضرمی اهل آچه) - که هر دو در دانشگاه‌الزهر و مکه درس خواندند و تحت تأثیر جریان اصلاح‌طلبی محمد عبده قرار داشتند - و حاجی عباس محمد طاها (اهل سنگاپور)، در پنانگ^۲ تأسیس کرد (Roff, 159, 167; Hashim, 95; Haji Salleh, 6). حکومت استعماری بریتانیا، بیداری سیاسی در میان مالایان و گذار از دوره پیشاستعماری به پسااستقلال مقارن بود (Tan, 121, 137, 158; Syed Husin Ali, 17-18). او در کنار دیگر رهبران دینی جوان یا «کائوم مودا»^۳ و اصلاح‌طلبانی نظیر شیخ طاهر جلال‌الدین، در جستجوی طرحی از اصلاح اجتماعی بود که مبتنی بر اصول و تفکر اسلامی و هماهنگ با اندیشه‌های مدرن علمی باشد. در حقیقت آنها از یک سو در پی زدودن عقاید غیر عقلانی از تعالیم اسلامی و از سوی دیگر در پی توسعه آموزش‌های علمی نوین بودند (Tan, 137; Milner, 138; Haji Salleh, 6; Syed Husin Ali, 18, 70). همچنین نشریه المنیر را حاجی عبدالله احمد در پادانگ در سوماترا منتشر می‌کرد. او در گسترش اندیشه‌های نوگرایی اسلامی در مجمع‌الجزایر اندونزی با شیخ طاهر جلال‌الدین همکاری داشت (Hamid, 242).

با قدرت گرفتن جریان‌های اصلاحی، انتقادات آنها نسبت به اسلام سنتی فزونی یافت. انتقادات اصلاح‌طلبان به سنت‌گرایان این بود که بدعت‌ها و خرافات سده‌های پیشین مسلمانان را منحرف ساخته و به ضعف و سستی دچار کرده است. در نتیجه، اسلام شکوفایی فکری و علمی سده‌های نخستین را از دست داد و موجب شد قدرت‌های استعمارگر اروپایی در سده سیزدهم/نوزدهم به آسانی بر کشورهای مسلمان تسلط یابند. اصلاح‌طلبان، تجدید حیات اسلام و انطباق آن با جهان امروز را در گروهی پیراستن ایمان و عقیده از ناخالصی‌ها و بازگشت به تعالیم نخستین قرآنی و اقتدا به

1. Minangkabau
2. Penang
3. Kaum Muda

پیامبر اسلام می‌دانستند. از نظر آنها مسلمانان به فراگیری پیشرفت‌های غربی در تعلیم و تربیت و علوم سیاسی نیاز دارند و باید چیزهایی را که در اسلام حرام نیست و به پیشرفت جوامع اسلامی کمک می‌کند، از غربی‌ها یاد بگیرند. مؤسس نوگرایی و اصلاح طلبی اسلامی در اندونزی، سازمان محمدیه است که اکنون به جمعیت بیست و پنج تا سی میلیون طرفدارانش افتخار می‌کند (Fealy, Hooker and White, 40). کیائی حاجی احمد دهلان^۱، متأثر از مدارس علمیه خاورمیانه محمدیه را در سال ۱۹۱۲/۱۳۳۰ تأسیس کرد. وی دست به یک نهضت بزرگ آموزشی و اجتماعی و اصلاحی زد و با تأسیس مدارس جدید و حذف جنبه‌های خرافاتی از فرهنگ و رسوم مردم منطقه، کوشید ارزش‌های اسلامی را با نیازهای آموزشی و اجتماعی معاصر وفق دهد (Noer, 73-74; Lapidus, 762; Hooker, 84-85). محمدیه ضمن پذیرش برخی از صورت‌های فرهنگ غربی، خواستار احیای اسلام است و به عبارت دیگر، از اسلام مدرن جانبداری می‌کند؛ بنابراین به طور مستقیم به امور پیشاهنگی و کنترل جمعیت توجه کرده است. به این ترتیب از گرایش‌های سنتی و عقل‌گرایی در کنار هم بهره‌برداری کرده است (Syamsuddin, 218-274). محمدیه در پیروی از اسلام سیاسی میانه‌رو به جای جهاد، به دنبال اجتهاد و ارزش‌های تکثرگرا است و با طرح اسلام به عنوان «رحمه للعالمین» به مبارزه فرهنگی با تروریسم پرداخته است. تأسیس مجمع جهانی صلح و امضای یادداشت تفاهم همکاری‌های آموزشی با استرالیا در تبادلات فرهنگی، تقویت دموکراسی، حکمرانی صالح، توسعه تسامح در جامعه و ارتقاء رفاه مردم از نمونه اقدامات محمدیه است (Indra Putri, 3-7).

جریان اسلام سنتی

ظهور جنبش‌های اصلاح طلب اسلامی که بر اصلاحات دینی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی و فعالیت‌های سیاسی تأکید می‌کردند، واکنش علمای سنت‌گرای اندونزی را در پی داشت. آنها با تأسیس تشکلهایی مانند «اتحادیه علمای مینانگابائو» در سال ۱۹۲۱/۱۳۳۹ و به دنبال آن نهضت العلماء در سال ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۶ در صدد

1. Kijahi Haji Ahmad Dahlan



مقابله با موسسات و سازمان‌هایی نظیر محمدیه برآمدند (Lapidus, 754). این علما در سراسر اندونزی، مدارس مذهبی و مؤسسات آموزشی معروف به پسترن^۱ را اداره می‌کردند. در سال ۱۳۳۸/۱۹۲۰ عالم وهب حسب‌الله^۲ با همکاری دوستانش، محفلی را برای مباحثات علمی به نام تصویرالافکار^۳ تأسیس کرد که این محفل، مدرسه نهضت‌الوطن^۴ را بنیاد نهاد. هاشم اشعری به همراهی عبدالوهاب حسب‌الله^۵، نهضت‌العلماء را تأسیس کردند. سازمان نهضت‌العلماء امروزه مدّعی است که سی و پنج تا چهل میلیون عضو دارد و خود را بزرگترین سازمان اجتماعی اسلامی می‌داند. این سازمان اسلامی، از مذهب تسنن پیروی می‌کند و پایگاه‌های روستایی قوی در مرکز جاوه و کالیمانتان و سوماترا و نوساتنگارا در اختیار دارد. گفتنی است سازمان نهضت‌العلماء چهار مکتب فقهی اسلامی (شافعی، حنبلی، حنفی و مالکی) را به رسمیت می‌شناسد (Tamara, 372-373; Fealy, Hooker and White, 40).

نهضت‌العلماء که با هدف صیانت از اسلام سنتی تأسیس شده بود، افزون بر شریعت اسلام، آداب و رسوم صوفیان را نیز تأیید می‌کرد و صوفیان را معنوی‌ترین گروه مسلمانان می‌دانست. ظهور این جنبش، تحول ژرف و مهمی در ساختار جامعه اسلامی و سنتی جاوه ایجاد کرد. سنت‌گرایان جهان را ثابت و بدون تغییر می‌دیدند، در حالی که اصلاح‌طلبان به جهانی که دائماً در حال تغییر است، باور داشتند. همچنین سنت‌گرایان بر ابعاد عرفانی و رازآلود دین تأکید می‌کردند. از نظر آنها تنها نماز و روزه و تلاوت قرآن است که در آدمی آرامش درونی به وجود می‌آورد (Lapidus, 765).

جریان روشنفکری دینی و الهیات لیبرال

جریان روشنفکری دینی در اندونزی شامل طیف‌های مختلفی است و تقریباً همه آنها به جدایی دین از دولت و تقویت اسلام فرهنگی در برابر اسلام سیاسی و تکثرگرایی دینی تأکید دارند. از شخصیت‌های اثرگذار در جریان روشنفکری اسلامی باید از احمد

1. Pesantren
2. Wahab Chasbullah
3. TaswirulAfkar
4. Mdrasah Nahdatul Watan
5. Abdul Wahab Hasbullah

۶. نهضت‌العلماء (Nahdatul Ulama) به اختصار NU خوانده می‌شود.

سوکارنو^۱ (د ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰) - از رهبران مسلمان مبارزات ضد استعماری اندونزی و اولین رئیس‌جمهور این کشور از ۱۳۲۳ش/۱۹۴۵ تا ۱۳۴۴ش/۱۹۶۶- یاد کرد. او ضمن اعتقاد به ملی‌گرایی، بر اتحاد آن با اسلام و مارکسیسم تأکید داشت و بر همین اساس در مجموعه مقالاتش که در ۱۳۰۴ش/۱۹۲۶ در نشریه *اندونزیا موئل*^۲، به چاپ رسید، بر عدم تفاوت واقعی بین ملی‌گرایی، اسلام و مارکسیسم به عنوان ایدئولوژی تأکید کرد و اظهار داشت که هر یک از این سه، می‌تواند مبنای ایدئولوژیک مبارزات استقلال‌طلبانه اندونزی باشد (Legge, 68-69, 81-83; Purwanto, 3/1226). با این حال سوکارنو به‌خصوص پس از استقلال اندونزی، بر فردی بودن دین تأکید می‌کرد. او به جدایی دین از سیاست باور داشت و موافق دخالت دین به حوزه‌ای فراتر از امور مذهبی نبود. البته سوکارنو گرایش‌های اسلامی خود را پنهان نمی‌کرد و خود را مسلمانی دموکرات می‌دانست. از نظر او در کشوری مانند اندونزی بین سیاست و دین، تنها دو حالت متصور است: وحدت دین و سیاست بدون دموکراسی یا وحدت دموکراسی و سیاست بدون دین. او حالت دوم را ترجیح می‌داد چراکه از نظر وی در این صورت احکام اسلامی نادیده گرفته نمی‌شد و مجلس می‌توانست آنها را در بطن قوانین دولتی بگنجانند (Adams, 198-199; Noer, 286-287). در مقابل، محمد ناصر^۳ (د ۱۳۷۲ش/۱۹۹۳) از اسلام‌گرایان اندونزی و رهبر حزب اتحاد اسلام به مخالفت با اندیشه‌های غربی و ملی‌گرایانه سوکارنو برخاست و تأکید کرد که اسلام همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. در واقع رهبران اصلاح‌طلبی و نوگرایی اسلامی، با ملی‌گرایی مخالف بودند و آن را دستاوردی بشری می‌دانستند؛ در حالی که اسلام از نظر آنان، مبتنی بر وحی الهی است و اعتقادات و احکام اسلامی باید به عنوان حقیقتی تغییرناپذیر همواره بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حاکم باشد (Noer, 320-322, 393-394; Ricklefs, 298-299). سوکارنو با تدوین و ساماندهی «پانچاشیلا»^۴ یا پنج اصل

1. Skarno

2. Indonesia Moeda

3. Mohammad Natsir

۴. پانچاشیلا (Pancashila) واژه سانسکریت، به معنای پنج (Panca) اصل (shila) است. این واژه در آیین بودا به پنج اصل اخلاقی اجتناب از قتل، دزدی، دروغ، زنا و شراب‌خواری اطلاق می‌شود. سوکارنو ۵ اصل مورد



که در واقع نشان دهنده فلسفه اجتماعی پرنفوذترین رهبران ملی‌گرا و حاوی اندیشه‌های رایج در جامعه انقلابی و استعمارستیز اندونزی پس از جنگ جهانی دوم بود و از پیش در اذهان تحصیل‌کردگان اندونزی وجود داشت، آمیزه‌ای از دموکراسی غربی، نوگرایی اسلامی، مارکسیسم و دموکراسی روستایی و بومی و پاره‌ای عقاید اشتراکی (کمونیستی) را به توده مردم ارائه داد. به این ترتیب پذیرش پانچاشیلا در اندونزی، به معنی جدایی دین از سیاست و یا همان سکولاریسم است (Cribb, 3/1017; Lapidus, 1062; Eliraz, 391). تجددگرایان و روشنفکران دینی سکولار با پذیرش ایدئولوژی پانچاشیلا در دوران سوهارتو، به گسترش جدایی دین از سیاست و جایگزینی اسلام فرهنگی به جای اسلام سیاسی کمک کردند. محمد سوهارتو^۱ (د ۱۳۸۷ش/۲۰۰۸، دومین رئیس جمهور اندونزی) در سال ۱۳۶۹ش/۱۹۹۰ سازمانی به نام «انجمن روشنفکران مسلمان»^۲ را تحت کنترل دولت و به منظور تحقیق و گسترش اندیشه‌های تجددگرایانه درباره اسلام و ارتباطش با دولت در اندونزی تأسیس کرد تا با حفظ و تقویت ماهیت سکولار حکومت، جریان‌های اسلام‌گرا را که خطری بالقوه برای قدرت او به شمار می‌رفتند، تضعیف کند. با رشد جریان‌های اسلامی افراطی پس از دوران سوهارتو، اهمیت و ضرورت ارتباط جریان‌های اسلامی لیبرال با یکدیگر برای صف‌آرایی در برابر افراط‌گرایی اسلامی، بیش از پیش احساس می‌شد (Eliraz, 384, 391; Gross, 93).

جریان اسلام لیبرال^۳ در اندونزی از اواخر دهه ۱۳۳۹ش/۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۳۴۹ش/۱۹۷۰ آغاز شد. فضل‌الرحمان، متفکر تجددگرای پاکستانی-آمریکایی در ایجاد جریان فوق‌الذکر تأثیر زیادی داشته است. این جریان را اندونزی شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر هارون ناسوتیون^۴ (د ۱۳۷۷ش/۱۹۹۸)، منور شاذلی^۵ (د

نظر خود را بدین صورت مطرح کرد: اعتقاد به خدای یکتای متعال، انسان دوستی متمدنانه و عادلانه، وحدت اندونزی، حاکمیت مردم بر اساس سیاست‌های خردمندانه که حاصل مشاوره و تعاون است، و عدالت اجتماعی برای همه مردم اندونزی.

1. Suharto
2. the Association of Muslim Intellectuals (ICMI)
3. Islam Liberal (liberal Islam)
4. Harun Nasution
5. Munawir Syadzali

۱۳۸۳ش/۲۰۰۴)، نورخالص مجید^۱ (د ۱۳۸۴ش/۲۰۰۵)، عبدالرحمان وحید^۲ (د ۱۳۸۸ش/۲۰۰۹)، احمد الحبيب^۳ (د ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳) و جوهان افندی^۴ بنیاد نهادند (Eliraz, 383). این دوران مصادف بود با درگیری دو جریان فکری در اندونزی: یکی جریانی که از حکومت سکولار دفاع می‌کرد و دیگری، جریانی که سودای تشکیل حکومت اسلامی در سر داشت. جریان اسلام لیبرال در این میان رویکردی جدید را مطرح کرد که بر مبنای آن تنها با تفسیری نو از الهیات اسلامی می‌توان به درستی، نسبت اسلام و سیاست را بازخوانی کرد. آنها بر اجتهادِ بافتاری^۵، به عنوان روش استدلالی و مستقل الهیاتی تأکید می‌کردند. منظور از اجتهادِ بافتاری، توجه به زمینه و شرایط (بافتار) در فهم و تفسیر و قرائت دین است. به این ترتیب آنها امیدوار بودند که اسلام را با شرایط و ویژگی‌های روز مجمع‌الجزایر انطباق دهند و رویکرد مسلمانان اندونزیایی به مدرنیزاسیون را که پیوند نزدیکی با برنامه‌های توسعه نظم نوین رژیم سوهارتو داشت، هماهنگ و همراه سازند. آنها ضمن قبول مدّعی دایمی و ثابت بودن اسلام، فهم و تفسیر مسلمانان از قرآن و سنت را متغیر و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان دانستند. از نظر آنان ادّعی تشکیل حکومت اسلامی، فاقد دلایل روشن و قطعی در قرآن و سنت است. بدین ترتیب از نظر این جریان، اسلام مجموعه‌ای از تعالیم تفسیرپذیر و غیر ایدئولوژیک است. بر همین اساس، فهم مسلمانان از دین نباید به مکان و زمان خاصی محدود شود و به عبارت دیگر با تفسیر ایدئولوژیک از اسلام به مخالفت برخاستند. در این دیدگاه فقط خدا حقیقت مطلق است و هیچ کسی نمی‌تواند مدعی دریافت و شناخت واقعیت مطلق اسلام باشد و به همین دلیل هم کسی حق ندارد قرائت خود از اسلام را حقیقی‌تر از قرائت دیگران بداند. بنابراین مسلمانان باید به تسامح و تساهل دینی چه در مواجهه با مسلمانان و چه غیر مسلمانان پایبند باشند (Eliraz, 385-386; Effendy, 62-79; Azra, 51).

گفتنی است اسلام لیبرال در اندونزی در میان روشنفکران مسلمان جوان اندونزی،

1. Nurcholish Madjid

2. Abdurrahman Wahid

3. Ahmad Alhahib

4. Djohan Effendi

5. contextual ijtihad (ijtihad tekstual)

موقعیت بسیار مهمی یافته و بر حیات روشنفکری اندونزی و نیز فضای عمومی جامعه تأثیرگذار بوده است. از دهه ۱۳۵۹ش/۱۹۸۰ افزایش علاقه به اسلام، روشنفکران و بسیاری از مسلمانان طبقه متوسط شهری را به آرمان‌های اسلام لیبرال و فهم مرفقی‌تر از اسلام سوق داده است (Eliraz, 391, 403).

نتیجه‌گیری

اسلام سنتی در اندونزی بیشتر رنگ و بوی عرفانی دارد و حاصل آمیزش اسلام صوفیانه با ارزش‌های بومی مردم این منطقه است. جریان اسلام سنتی در عصر جدید با چالش‌های گسترده‌ای مواجه شده است. از یک سو جریان اصلاح‌طلبی دینی خاورمیانه مانند جریان سلفی و وهابی و از سوی دیگر جنبش‌های روشنفکری دینی سکولار با اسلام سنتی به معارضة پرداخته‌اند. بنیادگرایی اسلامی نیز که از تفکرات اسلام‌گرایان تندرو تغذیه می‌کند، مهم‌ترین چالش اسلام سنتی به شمار می‌رود. در مقابل، اسلام سنتی نیز کوشیده است ضمن حفظ هویت تاریخی‌اش، تا حدودی به بعضی اصلاحات تن دهد و از سوی دیگر با تأسیس انجمن‌ها و تشکلهای فرهنگی و اجتماعی همچنان از جایگاه و نقش ممتازش در جامعه بزرگ مسلمان این کشور صیانت کند. مهم‌ترین نماینده اسلام سنتی در اندونزی، نهضت العلماء است. به نظر می‌رسد این جریان با هماهنگ‌سازی خود با پیشرفت و ارزش‌های دوران جدید و نیز پالایش پاره‌ای از باورهای سنتی خرافی و نامعقول بتواند همچنان به حضور قدرتمند خود در جامعه اندونزی ادامه دهد.

جریان اصلاح‌طلب و نوگرای اسلامی که انجمن محمدیه معرف آن است، ضمن مخالفت با اسلام سنتی و تأکید بر اصلاح تفکر دینی، نیم‌نگاهی نیز به توسعه و پیشرفت دارد و محتاطانه از الگوهای غربی تا جایی که به اهداف اسلامی آن خدشه وارد نکند، بهره می‌برد. مهم‌ترین چالش جریان اصلاح‌طلب و نوگرایی اسلامی این است که در دام افراط‌گرایی اسلامی نیفتد و از میانه‌روی دور نشود. به نظر می‌رسد این جریان با قوت در مسیر عقلانیت و اعتدال در میان مسلمانان اندونزی گام برخواهد داشت.

جریان اسلام لیبرال که یکی از مهم‌ترین نمایندگان آن، نورخالص مجید است، در میان فرهیختگان و طبقه متوسط جامعه با اقبالِ رو به رشدی مواجه شده است. این جریان توانسته است به خوبی خود را با ارزش‌های دوران جدید هماهنگ سازد و به پشتوانه نیروی اندیشمندانِ جوانی مانند اولی‌الابصار به پیش‌برود و برای آینده‌ای روشن زمینه‌سازی کند.

در کنار اینها باید از جریان ضعیف‌تری نیز، که همان جنبش‌های افراطی و سلفی و تکفیری است، یاد کرد. این جریان البته چندان با استقبال عمومی مواجه نشده است زیرا در طبیعتِ اسلام اندونزیایی روح میانه‌روی و تسامح و مدارا غالب است و سنت روشنفکرانه کثرت‌گرایی از سده‌ها پیش، ممیزه تفکر دینی در اندونزی بوده است. حتی در دوران ماقبل مدرن نیز علما و حاکمان شرع در صدد تحمیل قرائت‌های یکسونگرانه خود بر جامعه مسلمان مالایی نبودند. البته ناگفته نماند این جریان می‌تواند در صورت تضعیف آن سه جریان اصلی، قدرت بگیرد و جامعه اندونزی را که علی‌رغم همه فراز و نشیب‌ها از تفکر متعادل اسلامی عدول نکرده است، با چالش‌های جدی روبرو کند.

منابع

- Adams, Cindy, Sukarno: An Autobiography as Told to Cindy Adams, Bobbs-Merrill, U.S.A, 1965.
- Azra, Azyumardi (1997), "Education, Law, Mysticism: Constructing Social Realities", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Badan Pusat Statistik (2010), from [www.http://sp2010.bps.go.id](http://sp2010.bps.go.id), 2010.
- Cribb, Robert (2004), "Pancasila (Pantja Sila)", in Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor, ed. Ooi Keat Gin, California, 2004.
- Effendy, Bahtiar, Islam and the State in Indonesia, Institute of Southeast Asian Studies, Singapore, 2003.
- Eliraz (2008), "Distinctive Contemporary Voice: Liberal Islam Thought in Indonesia", in Studia Islamika, Vol. 15, No 3, Indonesia, 2008.
- Fealy, Greg and Hooker, Virginia and Sally White (2006), "Indonesia", in Voice of Islam in Southeast Asia, Singapore: Institute of Southeast Asian Studies, Singapore, 2006.
- Gross, Max L (2007), A Muslim Archipelago: Islam and Politics in Southeast Asia, Government Printing Office, Washington, DC, 2007.
- Haji Salleh, Muhammad, An Introduction to Modern Malaysian Literature, ITBM, Kuala Lumpur, 2009.
- Hamid, Ismail (1997), "Kitab Jawi: Intellectualizing Literary Tradition", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Hashim, Rosnani, Reclaiming the Conversation Islamic Intellectual Tradition in the Malay, Ed. by: Rosnani Hashim, The Other Press, Selangor: Malaysia, 2010.
- Hooker, M.B., Islam in South-East Asia, Brill, Leiden, 1983.
- Indra Putri, Rima Sari, Anti Terrorism Cooperation between the National Agency for Counterterrorism and Civil Society: Study Case of Muhammadiyah Disengagement, 2012.
- Lapidus, Ira M., A History of Islamic Societies, Cambridge University Press, 1999.
- Legge, J. D., Sukarno: A Political Biography, Published by Alan Lane, London, 1972.
- Milner, Anthony, The Malays, Published by John Wiley & Sons, Malaysia, 2011.
- Mutalib, Hussin (1997), "Islamic Malay Polity in Southeast Asia", in Islamic Civilization in the Malay World, Ed. By Mohd. Taib Osman, Kuala Lumpur and Istanbul, 1997.
- Noer, Deliar, the Modernist Muslim Movement in Indonesia: 1900-1942, Oxford University Press, Kuala Lumpur, 1978.
- Ricklefs, M. C., a History of Modern Indonesia since 1200, Palgrave Macmillan,

USA, 2008.

- Roff, William R., Studies on Islam and society in Southeast Asia, University of Hawaii Press, Singapore, 2009.
- Purwanto, Bambang (2004), "Soekarno (Sukarno) (1901-1970)", in Southeast Asia: A Historical Encyclopedia from Angkor Wat to East Timor, ed. Ooi Keat Gin, California, 2004.
- Syamsuddin, M.Sirajuddin, Religion & Politics in Islam : The Case of Muhammadiyah in Indonesia's New Order" (Ph.D. dissertation, University of California Los Angeles, U.S.A, 1991.
- Syed Husin Ali, The Malays: their problems and future, The Other Press, Kuala Lumpur, 2008.
- Tamara, Nasir (1997), "The Ummah: Rising to the Challenges With Special Reference to Indonesia" in Islamic civilization in the malay world, by mohd taib osman, kuala lampur and Istanbul ,1997.
- Tan, Linda (1999), "Syed Shaykh: His Life and Times" in The Real Cry of Syed Shaykh al-Hady, E.D by: Gordon, Alijah, Malaysian Sociological Research Institute, Kuala Lumpur, 1999.